



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

چه کسی است که شخص ورشکسته؟

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
 الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولین والأخرین،
 مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
 شیخ عبدالله الفانز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
 طریقتنا الصحبة والخیر فی الجمعیة.

طریقت مان می ایستد با انجمن. و خیر با جماعت است. حضرت پیامبر مان (ﷺ) می پرسید:
 "چه کسانی هستند که ورشکسته هستند؟" آنها جواب دادند: "کسانی که پول شان را از دست می دهند،
 کسانی که گمراه شدند، و غیره" آنها جواب می دادند که کسانی که بدون هیچ پول باقی ماندند. استاد مان
 گفت: "نه." "حتی اگر یک مرد ورشکسته است، او می تواند یک نان و یا شاید نیم نان بخورد. به این نمی
 گوئیم ورشکسته." یعنی، هنوز زنده است و زندگی را ادامه می دهد. "این طوری نیست،" حضرت پیامبر
 مان (ﷺ) ادامه داد. "ورشکسته فرد است که به آخرت بدون هیچ چیز میرسد."

هیچ کس نمی تواند یک ماشین، لباس، وسایل و املاک به آخرت ببرد. خیلی این را سعی کردند.
 آنها، قبل از رفتند، مقبره های خودشان را تا بالا از طلا، نقره، گنجینه و سنگ های قیمتی پر کرده بودند.
 برخی برای ۵۰۰۰ و دیگران برای ۳۰۰۰ سال صبر کردند. سپس [دیگران] آمدند، پیدا کردند و آنها را
 دزدیدند. آنها نتوانستند با خودشان به آخرت ببرند. به هر حال، نتوانستند آنها را ببرند. این کار احمق شان
 است. پول به آخرت این طوری نمی رسد. پول تان هیچ ارزش ندارد هنگامی که چشمان را ببندید. باید
 پول بدهید هنگامی که زنده هستید. باید به خاطر الله بدهید. چه استفاده دارد اگر ثروتمند ترین مرد در دنیا
 هستید؟ آن هیچ استفاده ندارد. بنابراین، مردم ورشکسته کسانی هستند که نمی توانند هیچ چیزی به آخرت
 ببرند حتی اگر آنها خیلی پول داشته باشند. الله بهشان یک فرست می دهد و نان روزانه همه را (رزق)
 نوشت. "آنقدر می خورد، تا این حد می نوشید." انجام بدهید. بقیه را به خاطر الله بدهید. حق ها را به مردم
 بدهید. در حال حاضر، مردم زکات فرض نمی دهند، فقط خیریه می دهند. چه اتفاقی می افتد زمانی که
 زکات را نمی دهند؟ به ممنوع (حرام) تبدیل می شود. تمام چیز هایش مخلوط با حرام می شوند. کسانی
 که زکات را نمی دهند، درفش ورشکستگی بلند می کنند و این طوری به حضور در قیامت می روند.

این برای اینجا (دنیا) است و برای آخرت نیست. قضاوت این دنیا فرق و قضاوت آخرت دارند.
 کسانی که ورشکسته هستند نه باید زندانی بشوند. این قضاوت اسلام است. در حال حاضر قضاوت شیطان
 دستور می دهد و زندانی شان می کنند. اکثر زمان مردی که کسب و کار می کند و شکست می خورد به
 زندان می روند. به طور معمولی، از نظر اسلام، نیاز نیست زندانی کردند یک مرد که ورشکسته است.
 با توجه به قانون اسلامی، مرد ورشکسته، همراه با یک نفر که خبر را می دهد، از صبح تا شب راه می
 روند و مردم آگاه می شوند، "این مرد ورشکسته شده است. مراقب باشید! اگر به او بدهید، به خاطر الله



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

بهبش بدهید. نه برای با این مرد کار کردند. با او تجارت نکنید. اگر انجام دهید، او هیچ خطا و گسل ندارد و خطا و گسل مال شما است." از صبح تا شب آنها او را در سراسر شهرستان می برند. این طوری همه می دانند این مرد کی است. هنگامی که این اتفاق می افتد، همه مراقب هستند و با او کار (تجارت) نمی کنند.

برخی مردم وجود دارد که قضاوت شریعت را نمی خواهند. الله عز و جل قرآن عظیم شآن آورد. این قلم قدیم الله است (). او از اول تا آخر می گوید، "مراقب از شیطان باشید، شیطان فریب تان ندهد، با او کار نکنید، ار فریب می کند، و او بر نمی گردد آنچه می برد." احادیث شریف وجود دارند. صدها هزاران از احادیث وجود دارند. چیزهای که حضرت پیامبر مان (ﷺ) توضیح می داد یکسان هستند. اجازه ندهید نفس خودتان را ببرد و نگذارید شیطان خودتان را ببرد. آنها ورشکست تان می کنند. کسانی که آنها را پیروی می کنند، قطعاً آسیب بهشان می رسد.

از صبح تا شب یک خبرنگار این را پخش می کند. غیر ممکن است که هیچ کسی مطمئن نشود و یا گوش کند. شهرستانها در گذشته آنقدر بزرگ مثل در حال حاضر نیز نه بودند. همه محله ها را میتوانستید در یک روز، حتی در بزرگ ترین شهرستانها، رد کنید. خیلی شلوغ نه بودند. هیچ میکروفون در گذشته وجود نداشت، اما صدای مردم برای وظیفه ها نیاز به یک دستگاه مثل میکروفون نداشتند. هنگامی که یک خبرنگار میرسید، مردم او را با دقت گوش می دادند، چونکه هر روز اتفاق نمی افتد. آنها می دانستند چه اتفاقی افتاده. دیگر مردی که از او فریب خورده بود، نمیتوانست بیاید و اعتراض کند. تقصیر و ضعف خودش است. خودش باید تاوانش را پس دهد. او دیگر باید هزینه اش را خودش بپردازد. ای کسی که چشمانت را به روی حقیقت بسته ای و خودت را از واقعیت پنهان کرده ای تا با واقعیت رو به رو شوی چشمانت را باز کن و با حقیقت رو به رو شو.

[فرض کنید] این مرد از اینجا دور می رفت و به جایی دیگر می رفت. این در گذشته این طوری اتفاق نمی افتاد. مردم مطمئن می دانستند از کجا آمده بودید و به کجا می روید. آنها می دانستند کجا هستید و چه کار می کنید. مثل اکنون، شبیه یک مسافرخانه نه بود. هیچ کاروانهایی نیز کنار جاده وجود نداشتند. گذشته کاروانسرا های و کاروانهایی وجود داشتند. مردم شب از سفر می آمدند. مثل یک قلعه بودند. پادشاهان این ها را به خطر الله می ساختند و با مردم مثل مهمان های خودشان رفتار می کردند. سلطان هزینه ها را پرداخت می کرد. معاون یا امیر (رئیس) محل آنها را پرداخت می کرد. کسی که می خواستند وارد بشوند باید در شب وارد بشوند. سپس، همه آنها می آمدند و درب را می بستند. مهمان نوازی و رفتار عالی ماشاءالله وجود داشته بود.

به همه آنها به عنوان مهمان افتخار می دادند. نماز های صبح انجام می دادند. بعد از نماز (البته اول وقت)، کاروان ها نیاز داشتند بروند اما هنوز درب ها باز نمی شدند. آنها به خودشان می پرسیدند، "همه، ببینید اگر کسی باقی ماند، اگر کسی گم می شد؟" همه نگاه می کردند و دقت می کردند اگر کسی کمبود، درب را باز می شدند ی می رفتند. مردم چنین چیز ها را در آن زمان انجام نمی دادند، اما حتی اگر این اتفاق می افتاد، اگر کسی گم شده بود، همه دنبالش می رفتند و اگر کسی چیزی داشت نشان می دادش،



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

جای برای فرار وجود نداشت. این طوری در گذشته بود. هیچ چیزی شبیه کاروانهایی در کنار جاده وجود نداشته بودند.

در حال حاضر، آنقدر شیطان در همه جا ها وجود دارند که همه چیز را قایم کرد. تعداد شیطانان ظالم افزایش شد. کسانی که می رفتند و یا می آمدند از کشور های دیگر بهشان می پرسیدند با کی بودند و برای کدام دلیل آنجا بودند. آزادی وجود نداشت؟ آزادی نمی تواند برای همه باشد. آزادی یک مرز دارد اگر می تواند به مردان آسیب برساند. بنابراین آزادی صد در صد هرگز اتفاق نه افتاده است. کسی که آن را می گوید، دار دروغ می گوید. در اروپا وجود دارد؟ این فقط برای بدبختی است. آزادی بی محدودیت برای آنچه شیطان می گوید و برای چیزهای که از شیطان به ذهن شان و تخیل شان می رسند وجود دارد. اما اگر چیزی بگوید به خطر الله، اجازه نیست، اسم تان این است و این قسمت کار تان زیره سؤال است. آزادی تنها برای شرارت است. شیطان آزادی است.

همانطور که گفتیم، اجازه دهید ورشکسته مان نکند. رزق مان در دنیا به اندازه کافی است. یک لقمه ساده نان، حتی اگر ثروتمند ترین مرد در دنیا هستید، از گلوت رد نمی شود هنگامی که رزق تمام شده است. اما اگر رزق تان تمام نشده است، حتی اگر دارید از گرسنگی میمیرید، یک لقمه می آید به گلوت تان و نمی میرند. مردم این را نمی فهمند. آنها هنوز می گویند: "شغل مان و کار مان، شغل مان و کار مان است." خداوند بهمان اجازه ندهد که نفس مان را پیروی کنیم. که مردان و شیر های الله بشویم، به این طور هیچ کار و کسب و نه هیچی دیگر ما را از راه الله هواس مان را پرت نمی کند. این کشورها به نابود شده بودند اگر از کمک این مردان نه بود. شیطان با تمام آزادی و همه قدرتش می دويد. او آزاد می دويد. او راحت راه می رود و هر چه هواس است انجام می دهد. اما شکر از الله، آدم های هستند که باعث هستند کار او به هیچ جای نرسد. آنها اولیاء و بندگان محبوب الله هستند.

آنها خیلی ظلم و ستم میبینند. چه کسانی به آنها ظلم و ستم کردند؟ یک کافر، یک کافر است. هیچ گناه بزرگ تر از کافر وجود ندارد. آنچه که بیشتر از کفران ناراحت می کند، فریب مسلمانان است. این نه امیدی مردان هستند و آنها ندانسته از راه الله به راه شیطان می روند. راه الله کدام است؟ الله عز و جل می گوید در قران، "آنها کشور در وسط هستند. به انحراف نروید." بیش از حد نه به سمت چپ و نه به سمت راست بروید. شکر از الله، اهل سنت وال جماعت هستیم. کسانی که در راه راست و نه در راه منحرف هستند، اهل سنت وال جماعت است. مسلمان در همه جا ها پخش شده اند. مسلمانان در همه جا های دنیا وجود دارند، اما چونکه آخر زمان است، شیطان این هم بر علیه مسلمانان استفاده می کند. او باعث است که مسلمانان با مسلمانان جنگ کنند. مهم نیست که چقدر او کند، بندگان محبوب الله و اولیای الله قوی هستند و به او اجازه نمی دهند. در پایان، مثل همیشه، حقیقت باقی می ماند و باطل از بین می رود. این مطمئن است.

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

حقیقت آمد و باطل از بین رفت" (سورة الإسراء: ۸۱).

این کلمه الله است. نه از سلفی ها و نه از دیگران است، افرادی که سحابه را دوست ندارند. این گفته خداوند است. خدا را شکر که راه اهل سنت و آل جماعت برای ۱۴۰۰ سال همچنان ادامه دارد. دیگران صدای بلند دارند، اما تعداد شان کم است. آنها نیز افزایش نمی شوند. الله کسانی که آنها را پیروی می کنند، راهنمای کند. به دلیل که خیلی دیر می شود هنگامی که پشیمان بشوند. پشیمانی هم هیچ فایده ندارد. انشاء الله آنها سر ها شان را باهم استفاده کنند تا زمانی که خیلی دیر نه شود. انشاء الله مردان اینجا نیز محافظت بشود.

سود های محبت به الله، پیامبرش، و به اولیای بسیار زیاد هستند. آنچه انجام می دهیم بی فایده نیست. بهمان ثروت در آخرت می دهد. ثروتمند می شوید هنگامی که دیگران ورشکسته می شوند. حتی اگر در این دنیا فقیر باشید، در آخرت ثروتمند می شوید. این، همان جور که می گویم، با اعمال مان نمی توانیم به دست بیاوریم. مهم ترین چیز در اینجا عشق به پیامبر (ﷺ)، عشق به الله و عشق به بندگان محبوب الله، اولیای است. انشاء الله با حمایت شان با آنها می مانیم. باشد که خداوند همه را هدایت کند.

همچنین، کودکان بسیاری بی محافظت هستند. همه چیزها دارند در کشور بد پیش رفت می کنند. انشاء الله این کودکان نیز محافظت بشوند. آنها دارند هزار جوان را به خطر یک کم پول نابود می کنند. همونطوری که آن کودکان از آن سم سفید می خورند، الله افراد که در این کار بودند از درون می سوزاند. فکر نکنید آنها دارند سود می برند. چگونه دارید خانواده ها و کودکان را نابود می کنید؟ به آنها هیچ اصول اخلاقی، هیچ عفت، هیچ افتخار و هیچ انسانیت نمی دهند. چگونه میتوانید مردان بی تربیت (مریز) بزرگ کنید؟ این به زقوم (درخت سمی جهنم) تبدیل می شود. سم هر بخشی از این افراد که در این کار بودند از بین می برد.

خداوند بهمان هوش و تفکر بدهد. اجازه دهید آنها توبه کنند، درب توبه هنوز باز است. روز قیامت نزدیک است، اما درب توبه هنوز باز است. این باز می ماند تا زمانی که خورشید از غرب بلند بشود، این یکی از نشانه های بزرگ است. "اگر گناها تان به اندازه یک کوه هستند"، حضرت پیامبر مان (ﷺ) می گوید، "همه آنها پس از توبه به اعمال خوب تبدیل می شوند." به همین دلیل است، که کسانی که در این کار هستند باید برای رضای الله جلو این را بگیرند. انشاء الله آنها را آخرت نجات بشوند. که آنها را این دنیا فریب نکند. این دنیا باقی نمی ماند. نگویند: "من ثروتمند هستم و من این هستم." میروید پس از یک مدت ۱۰ سال و یا ۵۰ سال و یا ۱۰۰ سال زندگی کنید. زندگی ابدی می شود، یا تا ابد به بهشت میروید و یا تا ابد به جهنم می روید.

. باشد که خداوند بهمان احترام به دیگران و هوش برای همه مان اعطا کند.

و من الله التوفیق.
الفتاحه



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی



حضرت شیخ محمت عادل
۲۱ ذیقعدہ ۱۴۳۶، درگاه ایوب سلطان